

دکتر پری فیلیپس، میگاه، پیامبر خارج از کمربندی، جلسه ۶، میگاه ۵

پری فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر پری فیلیپس و آموزه‌های او در مورد کتاب میگاه نبی، پیامبر خارج از کمربندی است. این جلسه ۶، میگاه ۵ است.

اکنون به مطالعه خود در مورد میگاه ادامه می‌دهیم و قرار است فصل پنجم را انجام دهیم.

اول از همه، مروری بسیار مختصر بر ارائه فعلی الین از فصل چهارم، آنچه می‌یابیم، محیط تاریخی و جغرافیایی است. در فصل اول، به اختلاف عهد و پیمانی که خداوند با قوم اسرائیل دارد و خداوند به عنوان دادستان، قاضی و شاهد عمل می‌کند، می‌پردازیم. سپس در فصل دوم، به گناهان رهبران، اساساً ظلم و ستم و دروغگویی از سوی پیامبران اشاره می‌شود.

در فصل سوم، که قبلاً انجام دادم، ما مشیات، عدالت، را با غزال، که به هر چیزی جز بی‌عدالتی است، مقایسه می‌کنیم. سپس در مورد سنجش در برابر سنجشی که خداوند قرار است بر سر ملت پیابورد صحبت کردیم. سپس، در فصل چهارم، پیشگویی‌هایی از احیا داشتیم، اما هنوز تا آن روز یا روزهای آخر که در راه است، دردی در پیش است.

سپس فصل پنجم را شروع می‌کنیم و روند فصل به این صورت خواهد بود. چهار آیه اول به پاهایی که از پاهایی که به سمت حاکم مسیحایی، پادشاه مسیحایی، که در این فصل خاص حاکم نامیده می‌شود، می‌رود می‌پردازد، کسی که قرار است در نهایت اوضاع را درست کند. سپس آیات پنج تا شش، خدمت حاکم را می‌بینیم، اینکه چگونه از قوم خود محافظت خواهد کرد.

با رفتن به سه آیه بعدی، یعنی آیات هفتم تا نهم، باقی‌مانده اسرائیل در میان ملت‌ها خواهند بود که دوباره تصویر تبعید را تداعی می‌کند. در نهایت، آیات دهم تا پانزدهم، تفسیری بر پیروزی اسرائیل یا یعقوب بر ملت‌ها است، حداقل ممکن است اینطور باشد، یا شاید نگاهی به آینده و برخورد نهایی خدا با ملت اسرائیل داشته باشد. وقتی به آن رسیدیم، در مورد آن بحث خواهیم کرد.

بگذارید اشاره کنم که آیه اول فصل پنجم میگاه به انگلیسی، همان آیه چهاردهم فصل چهارم به عبری است بنابراین، برای اینکه متن عبری هر نسخه انگلیسی از فصل پنجم را به دست آورید، کافیت یکی کم کنید تا متن عبری به دست آید. با این حال، من از شمارش انگلیسی استفاده خواهم کرد زیرا فکر می‌کنم بیشتر کسانی که به این سخنرانی خاص گوش می‌دهند، احتمالاً به کتاب مقدس انگلیسی خود نگاه می‌کنند.

بنابراین، بدون مقدمه‌ی بیشتر، به شرح فصل می‌پردازیم. اول از همه، آیات پنج و یک تا پنج و چهار، از شکست تا آمدن پادشاه یا حاکم مسیحایی. آیه‌ی یک، اکنون ای دختر لشکرها، لشکرهای خود را جمع کنید محاصره‌ای علیه ما برقرار شده است، با عصا بر گونه‌ی داور اسرائیل می‌زنند!

بباید این را تجزیه و تحلیل کنیم. این از فصل چهارم، آیه یازدهم، جایی که ما در مورد ملت‌هایی که علیه اسرائیل قیام می‌کنند صحبت می‌کنیم، گرفته شده است. و آن آیه، همانطور که الین توضیح داد، می‌گوید اکنون بسیاری از ملت‌ها علیه شما جمع شده‌اند و می‌گویند، بگذارید او نجس شود و چشمان ما به صهیون خیره شود.

و چون نجس شده‌ایم، او را پایمال خواهیم کرد، به او خیره خواهیم شد، همانطور که کسی به منظره‌ای ناپسند خیره می‌شود. این همان کاری است که ملت‌ها با صهیون خواهند کرد. و اینجاست که آیه به موضوع اصلی خود می‌پردازد.

بنابراین، به نظر می‌رسد که نوعی حمله به اورشلیم در حال وقوع است. و فراخوان برای دفاع آماده بودن است. همانطور که در ابتدا گفته شد، ای دختر صهیون، سربازان خود را جمع کن! ارتش‌های خود را جمع کن! آماده باش! کلمه سپاه یک اصطلاح نظامی است که بر تهاجم و حمله به اورشلیم تأکید دارد.

ما این را در میکاه، فصل اول، آیه نهم نیز می‌بینیم. حال، این بدون شک مربوط به پیشروی آشوریان برای یهودا در سال ۷۰۱ قبل از میلاد است. ما می‌دانیم که منظور آشور است زیرا در آیه پنجم به نام آشور اشاره شده است.

اما اشاره جالبی به آشور می‌شود که کمی متفاوت است، و وقتی به آنجا برسیم خواهیم دید که آن چه می‌تواند باشد. بنابراین، این فراخوانی برای مسلح شدن گروه است. اگرچه تعدادشان کم است، اما باید خود را برای نبرد با نیروی عظیم آشوری آماده کنند.

دختر به معنی شهر است. بنابراین، دختر صهیون، شهر صهیون است. همانطور که الین اشاره کرد، این کلمه برای اورشلیم زیاد استفاده می‌شود.

وقتی به آن نگاه می‌کنیم، می‌توانیم آن را در میکاه ببینیم، و همانطور که از گفته الین برمی‌آید، در اشعیا نبی نیز زیاد استفاده شده است. این نماد اورشلیم، صهیون، است، اما دلالت بر رابطه‌ای لطیف و آسیب‌پذیر بین خدا و صهیون دارد. این دختر است.

رابطه پدر با دخترش رابطه‌ای عاشقانه است. اما از سوی دیگر، وقتی دختر سرکش می‌شود، رابطه‌ای توأم با سرزنش و تنبیه است. و ما این تصویر را در کتاب مقدس نیز می‌یابیم.

دختر صهیون در پیوند با ناامیدی، اندوه و مجازات خدا ظاهر می‌شود. ما این را در اشعیا و ارمیا می‌بینیم، و همچنین وعده رهایی را که در اشعیا می‌یابیم. اما، نبرد شکست خواهد خورد.

سربازانت را جمع کن و برای نبرد آماده شو. اما چه اتفاقی قرار است بیفتد؟ به گونه‌ی داور اسرائیل بزن. و این به معنای تحقیر است.

این نشان می‌دهد که نبرد با شکست مواجه خواهد شد. جالب اینجاست که این هم نوعی بازی با کلمات است. ضربه زدن، شایعات است و قضاوت، شایعات.

حالا، آن دسته از شما که به متن عبری خود نگاه می‌کنید، بنده‌ی حقیر را ببخشید که کلمات عبری را همانطور که تلفظ می‌شوند نوشته‌ام، و نه آنطور که در یک مجله‌ی علمی نوشته می‌شود. اما، متوجه بازی با کلمات شده‌اید. ضربه، شایعات، قاضی، شایعات.

اول پادشاهان ۲۲:۲۴ ایده تحقیری را که در صورت ضربه زدن به گونه رخ می‌دهد، مطرح می‌کند. این آیه ۲۴ از اول پادشاهان ۲۲ است که الین به آن اشاره کرده بود، زمانی که صدقیا نبی، پسر حنانه، که شاخ‌ها را نصب کرده بود، به اخاب گفت که می‌خواهد آرامی‌ها، مردم سوریه را از دم تیغ بگذرانند، و میکایا آمد و گفت، نه، تو قرار نیست این کار را بکنی. و صدقیا سپس به سمت میکایا می‌رود و به گونه او سیلی می‌زند و

می‌گوید، چگونه روح از من به تو منتقل شد؟ و میکایا سپس پاسخ می‌دهد و می‌گوید، وقتی که پنهان شوی و آرامی‌ها بیایند و حمله کنند، خواهی دید.

ایوب ۱۰:۱۶، همان. آنها گستاخانه به گونه‌ام سیلی زده‌اند. من کاملاً مانند ایوب تحقیر شده‌ام.

در اشعیا ۵۰، آیه ۶، بنده خداوند که به وضوح به عیسی اشاره دارد، به گونه‌اش سیلی خواهد خورد. و سپس می‌بینیم که این اتفاق به معنای واقعی کلمه در متی ۲۶ و لوقا با عیسی رخ می‌دهد. در این زمینه، اشاره به قاضی، پادشاه، ممکن است حزقییا باشد که توسط سنحاریب مورد تمسخر قرار گرفت.

نه اینکه به معنای واقعی کلمه به گونه زده شود، بلکه مسخره و تحقیر شده توسط نامه‌ای که برای مردم اورشلیم فرستاده بود، نامه‌ای که حزقییا و، ضمناً، خدای آنها، یهوه، یا یهوه را نیز مسخره می‌کرد. ای لشکریان، خودتان را جمع کنید، خودتان را جمع کنید. در این نسخه‌های خاص کتاب مقدس اینگونه ترجمه شده است.

و غیره. می‌توانید آنها را در لیست ببینید. اما NASB، کتاب مقدس انگلیسی جدید، نسخه استاندارد انگلیسی ترجمه دیگری نیز وجود دارد که می‌توان آن را داشت.

به جای اینکه خودت را جمع و جور کنی، خودت را زخمی کن یا ببر. این چیزی است که در کتاب مقدس استاندارد مسیحی هولمن در ترجمه انگلیسی جدید می‌یابید. به عبارت دیگر، سربازان یهودا برای جنگ آماده نمی‌شوند.

آنها برای شکست سوگواری می‌کنند و از تحقیر خود را زخمی می‌کنند، شاید همانطور که پیامبران در نبردشان با الیاس در کوه کرمل انجام دادند. در آن زمینه خاص، سوگواری برای شکست در واقع با فصل آیه ۱۱، که قبلاً خواندیم، بیشتر مطابقت دارد. یعنی اکنون بسیاری از ملت‌ها علیه تو جمع شده‌اند و ۴، می‌گویند، بگذار او نجس شود و چشمان ما به صهیون خیره شود.

منظور من از آیه ۱۱ باب ۴ آیه ۱۱ است. اما در آن زمان این آیه چگونه فهمیده می‌شد؟ آیا منظور این است که خودتان را پاره کنید؟ آیا منظور این است که خودتان را جمع کنید؟ بسیاری از اوقات، ما به ترجمه یونانی عهد عتیق نگاه می‌کنیم تا ببینیم آنها چه فکری می‌کردند و چگونه می‌توانستند آن را ترجمه کنند. آنها [به جای ترجمه اصلی] به آن حمله می‌کردند.

آنها فقط گفتند که خودتان را محصور کنید. اما باز هم، محصور کردن خودتان این تصور را القا می‌کند که شکست در انتظار است. قرار نیست سربازان پیروز شوند.

هر چه که باشد، این یک پیشنهاد شکست‌خورده است. اما امید اینجاست. آیه ۲، که برای همه آشناست اما تو، ای بیت‌لحم افراشته، که برای بودن در میان قبایل یهودا خیلی کوچک هستی، از تو کسی برای من ظهور خواهد کرد که بر اسرائیل حکومت خواهد کرد، که اصل او از قدیم، از ایام قدیم است.

استفاده می‌کنم و می‌خواهم نکته‌ای را [NASB] و من در اینجا از کتاب مقدس استاندارد جدید آمریکایی مطرح کنم. اول از همه، میکاه اکنون در چرخه‌های کلی محکومیت و وعده که در سراسر کتاب می‌یابیم، به وعده بازمی‌گردد. با وجود وضعیت پایین فعلی اسرائیل، خدا آنها را فراموش نکرده است.

حاکمی، که در زبان عبری به آن می‌شال می‌گویند، از نسل داوود ظهور خواهد کرد. زیرا خداوند، همانطور که در مزمور ۸۹ آمده است، پادشاهی داوود را برای همیشه وعده داده است. بنابراین، رهبری از همان شهری که داوود آمده، ظهور خواهد کرد تا بر ملت حکومت کند.

داوود یوسف از ناحیه‌ی بیت‌لحم افراته آمد تا بر قوم حکومت کند. بیت‌لحم در قبیله‌ی افراته، یعنی پدر داوود، بود. او یک افراته بود، نباید او را با یک افرایمی، که قبیله‌ای در شمال است، اشتباه گرفت. او اهل بیت‌لحم است و آیات زیادی برای اثبات این موضوع داریم.

این طایفه، که یک خانواده گسترده یا گروهی از خانواده‌هایی است که بخشی از یک تبار خونی تاریخی هستند و غیره. تعدادشان در میان طایفه یهودا بسیار کم است. این طایفه‌ای است که قرار است حاکم را به وجود بیاورد و این البته ما را به داوود می‌رساند، زیرا او نیز کوچکترین فرد خانواده‌اش، کوچکترین فرد طایفه بود، و با این حال پادشاه شد.

بنابراین، ما شاهد اتفاق امیدوارکننده‌ای در اینجا هستیم، اگرچه این گروه واقعاً بسیار ضعیف است و در حال مقابله با آشور است. با این وجود، شاید، مانند داوود، ما شاهد وضعیتی مشابه داوود و جالوت باشیم که قرار است در اینجا رخ دهد. و به کلمه قبیله توجه کنید، قبلاً اشاره کردم که این یک خانواده گسترده از یک تبار خونی است.

و وقتی به این موضوع نگاه می‌کنیم، به داوود نگاه می‌کنیم یا به آنچه حاکم قرار است انجام دهد یا آنچه لشکر قرار است در برابر مهاجم قدرتمند انجام دهد، یادآوری می‌شود که خداوند از ضعیفان برای تحقق هدف خود استفاده می‌کند. این موضوع در اول قرن‌تین ۱، آیه ۲۷ آمده است.

اما خدا آنچه را که در جهان احمقانه است برگزید تا خردمندان را شرمند کند. خدا آنچه را که در جهان ضعیف است برگزید تا قوی را شرمند کند.

حاکم آینده، موشل. این تنها زمانی است که می‌کاهد از این کلمه برای یک حاکم استفاده می‌کند. و ظهور او از قدیم، از ازل بوده است.

،(به پیش رفتن) استفاده می‌کنند going ahead حال، نکته جالب این است که برخی از ترجمه‌ها از کلمه نیز آمده است. برخی دیگر می‌گویند ریشه او به دوران باستان برمی‌گردد. کلمه‌ای که در ESV که در نسخه (به پیش رفتن)، همان کلمه‌ای است که برای پادشاهانی که به جنگ going ahead، اینجا استفاده شده می‌روند، پادشاهانی که برای فتح می‌روند، استفاده می‌شود.

ما قبلاً به این موضوع اشاره کرده‌ایم و نحوه‌ی استفاده از این اصطلاح را در تعدادی از متون دیگر نیز می‌بینیم. بنابراین، به نظر فروتنانه‌ی من، ریشه‌ی این کلمه برای ترجمه به عنوان یک کلمه رضایت‌بخش و غیره ظاهر می‌شود NIV، TNIV، RSV، Holman Christian Standard Bible نیست، با این حال در انجام داده است، دوست دارم ESV من روشی را که

در یونانی استفاده exo -the یا Exodus و وقتی به ترجمه یونانی سپتواجینت نگاه می‌کنید، آنها از کلمه می‌کنند، و به معنای رفتن به جلو، رفتن به بیرون است. و بنابراین، این ایده را به وجود می‌آورد که آنچه شما در مورد آن صحبت می‌کنید، حاکمی است که به جنگ می‌رود. نه اینکه او از ازل، از گذشته وجود داشته است، بلکه او در تمام این مدت فعال بوده است.

و این همان کسی است که قرار است برای حکومت بر اسرائیل بیاید. بنابراین، می‌توانید ببینید که چرا این یک متن مسیحایی است و به پیروزی بر دشمنان اسرائیل اشاره دارد. به وجود آزاد او اشاره شده است.

او از قدیم، از زمان‌های بسیار قدیم است. می‌قدم یا می‌می اولام. الین قبلاً کلمه اولام را به معنای از مدت‌ها پیش ذکر کرده بود.

و عموماً، به صورت ابدی یا جاودان ترجمه می‌شود. احتمالاً بهترین حالت، کهن‌ترین روزها یا دورترین زمان است. این همان چیزی است که برای این خط‌کش به کار می‌رود.

این واقعیت که او نه تنها مدت زیادی است که وجود دارد، بلکه مدت زیادی نیز فعال بوده است. و ضمناً، هر دو کلمه‌ای که در بالا ذکر کردم به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. در تثنیه ۳۳، موارد زیر را می‌خوانیم، با بهترین کوه‌های باستانی و برداشت حاصل از تپه‌های باستانی.

توجه کنید که چگونه کدم و اولام با هم استفاده می‌شوند. سپس، در تثنیه ۳۳ می‌بینیم که خدای جاودان پناهگاه است و در زیر شما بازوهای ابدی او قرار دارد. باز هم، بازی هر دوی این دو کلمه است و این همان چیزی است که در مورد موشل، پادشاهی که قرار است بیاید، به کار می‌رود.

و دوباره تکرار می‌کنم، او از ازل آمده است، و فعال بوده است، و با این حال قرار است از بیت‌لحم بیاید. مفهوم مسیحایی آیه. این آیه توسط کاهنان اعظم و علمای شریعت، کاتبان، در زمان عیسی مسیحایی تلقی می‌شد.

همانطور که در متی فصل ۲ می‌بینیم، این موضوع کاملاً شناخته شده است. و توجه داشته باشید که جالب اینجاست که کتاب مقدس یهودیان به سادگی بیان می‌کند که این اشاره به داوود است. ایده نوادگان آینده داوود، یعنی خود عیسی مسیح، را کاملاً حذف کرده است.

و لازم نیست زیاد در مورد هیروودیس کبیر صحبت کنیم، کسی که وقتی عیسی در بیت‌لحم به دنیا آمد پادشاه یهودا بود. یادتان هست که مغ‌ها آمدند و پرسیدند، پادشاه یهودیان کجاست؟ و من بر «پادشاه یهودیان» تأکید می‌کنم، زیرا پادشاهی به حق از آن عیسی است. او پادشاه یهودیان به دنیا آمد.

هیروودیس پادشاه یهودیان بود، اما او برای حفظ سلطنت خود، مردم را به قتل رساند، پسرش را به قتل رساند و همسرش را به قتل رساند. اما این کسی است که می‌آید، کسی که به عنوان پادشاه یهودیان متولد شده است. و کاهنان و کاتبان، معلمان شریعت، همانطور که می‌بکاه پیشگویی کرده بود، به بیت‌لحم اشاره کردند.

و همه ما بقیه داستان را می‌دانیم. بیایید به آیه ۳ برویم. خوب، سوالات مختلفی می‌توانیم پرسیم. چه کسی آنها را تسلیم کرده است؟ او که در حال زایمان است کیست؟ و بقیه برادرانی که قرار است بازگردانده شوند چه کسانی هستند؟ او آنها را تسلیم خواهد کرد.

او آنها را تسلیم خواهد کرد. او به احتمال زیاد همان خداوندی است که ما در اینجا در موردش صحبت می‌کنیم. او آنها را تا زمان آمدن حاکم، همانطور که در آیه قبلی بحث کردیم، تسلیم خواهد کرد.

به عبارت دیگر، خداوند یهودا را به دلیل گناهی که قبلاً مورد بحث قرار گرفت، رها خواهد کرد تا زمانی که حاکمی بیاید که بر اسرائیل حکومت کند و اسرائیل را به سوی خداوند بازگرداند. و ما در اینجا یک تشابه بسیار جالب با هوشع، فصل ۳، پیدا می‌کنیم که همسرش را بازی‌گرداند. در این مورد، خداوند دخترش را بازی‌گرداند.

او که در حال زایمان است و زایمان کرده است. به احتمال زیاد، مردم خواهند گفت، خب، این آشکارا به مریم باکره اشاره دارد که عیسی را به دنیا آورد. نه، اما بیایید به متن میکاه نگاه کنیم.

میکاه و قومش چگونه این را در متن درک می‌کردند؟ او احتمالاً در این متن به بیت لحم، افراته یا شاید ملتی که این حاکم را به دنیا می‌آورد و این حاکم از میان آنها خواهد آمد، اشاره دارد. و جالب است که همانطور که الین اشاره کرده بود، در میکاه، فصل ۴، آیات ۹ و ۱۰، عبارت «زن در حال زایمان» را داریم. و در آن زمان خاص، این عبارت به سوگواری برای تولد و اخراج از اورشلیم به دلیل تبعید اشاره دارد.

اما در این زمینه، در این آیه خاص، در این زمینه، وقتی حاکم به دنیا بیاید، فریادهای شادی بلند خواهد شد، بارها در کتاب مقدس، کتاب مقدس دردی را که یک زن با زایمان متحمل می‌شود، مورد بحث قرار می‌دهد اما پس از آن، فقط شادی مطلق دیدن فرزندش را. بازماندگان برادرانش، چه کسی است که رنج آورده، چه کسی اکنون به دنیا آمده، زنی که به دنیا آمده، حاکم اکنون به بازماندگان برادرانش نگاه خواهد کرد و آنها را باز خواهد گرداند.

آیا اینها قبایل شمالی هستند که قبلاً توسط آشوریان به اسارت گرفته شده‌اند؟ آیا منظور همه مردمی است که به دلیل تبعید پراکنده شده‌اند، و یک فرمانده کسانی را که تبعید شده‌اند، بازمی‌گرداند؟ برادران او، مقدم یا خداوند است یا حاکمی که اینجا می‌بینیم. حال، منطقی‌تر این است که منظور حاکم و پیوندهای اوست این با فصل ۲ میکاه مرتبط است، جایی که پادشاه مردم را از اسارتشان آزاد می‌کند و چوپان آنها می‌شود. این به چیزی برمی‌گردد که الین در فصل ۲ به آن اشاره کرده است. رهایی به آن معنای خاص، رهایی از اسارت و گرد هم آمدن تحت نظر یک چوپان است.

و این همان ایده‌ای است که ما اینجا در این آیه خاص داریم. نه تنها این، بلکه حاکم قرار است تمام اسرائیل را متحد کند. و توجه داشته باشید که چگونه عیسی، حاکم، صلح و وحدت را به ارمغان می‌آورد.

در افسسیان فصل ۲، یهودیان و یونانیان گرد هم می‌آیند. در غلاطیان فصل ۳، یهودیان، غیریهودیان، برده، آزاد، مرد و زن گرد هم می‌آیند. کارگران، کارفرمایان، همه آنها گرد هم می‌آیند.

بنابراین او کسی است که نه تنها برادران خود و بنی اسرائیل را گرد هم می‌آورد، بلکه همه کسانی را که به حاکم در زمان حال ایمان دارند نیز گرد هم می‌آورد. آیه ۴ با حاکم ادامه می‌یابد. و او خواهد ایستاد و گله خود را در قدرت خداوند، در شکوه نام خداوند، خدای خود، شبانی خواهد کرد.

و آنها در امنیت ساکن خواهند شد، زیرا اکنون او تا اقصی نقاط زمین بزرگ خواهد بود. بنابراین، فقط اسرائیل مورد توجه حاکم نیست. اکنون تمام زمین مورد توجه حاکم است، تا اقصی نقاط زمین.

بنابراین، ما ادامه‌ی حاکم، چوپان، پادشاهی را داریم که اسرائیل را متحد خواهد کرد. اما برخلاف حاکمانی که به بنی اسرائیل ظلم می‌کردند، حاکم، حاکم، دلسوز خواهد بود. و نه مانند رهبران بی‌رحم زمان میکاه، او چوپانی مانند داوود خواهد بود.

قدرت خداوند برابر است با عظمت خداوند، نام خداوند. به یاد داشته باشید، او این کار را با قدرت خداوند. و با عظمت نام خداوند انجام می‌دهد. و اینها ایده‌های قابل مقایسه‌ای هستند که ما اینجا داریم.

آنها باقی خواهند ماند. برخلاف اکنون، اسرائیل و یهودا دوباره تبعید نخواهند شد. به یاد داشته باشید، او برادرانش را می‌آورد و آنها در جایی که هستند باقی می‌مانند.

آنها دوباره تبعید نخواهند شد. بنابراین، این به زمان آخرالزمانی تری اشاره دارد زیرا نام و قدرت حاکم در سراسر زمین شناخته خواهد شد. بنابراین به نظر می‌رسد که زمان گردهمایی در آینده باشد.

کسی که آنها را جمع می‌کند، کسی است که نامش در سراسر زمین شناخته شده است. این ایده در اشعیا نیز آمده است. این واقعاً پیام فصل ۴، آیات ۱ تا ۵، را تکمیل می‌کند که می‌گوید کلام از صهیون تا اقصای زمین خواهد رسید.

اعمال حاکم از صهیون تا اقصای نقاط زمین نیز ادامه خواهد داشت. بنابراین، به طور خلاصه، حاکم همانطور که داوود نشان داد، نمایانگر آغازی جدید است، یک سلسله. اگرچه او یک جنگجو است، اما فروتن و متواضع خواهد بود.

این را از فصل ۹ کتاب زکریا می‌فهمیم. او از جانب خداوند عمل می‌کند، نه برای خودش. برخلاف حاکمان شرور زمان میگاه، او بر تمام اسرائیل و در نهایت بر تمام زمین حکومت خواهد کرد و ما مشتاقانه منتظر آن هستیم.

بیاید به بخش دوم، آیات ۵ و ۶ برویم. پس او قرار است صلح آنها باشد، و وقتی آشوریان بیایند، او قرار و او صلح آنها خواهد بود، واقعاً با فصل ۴، است علیه آن اقدام کند. حالا، نکته جالب اینجاست. آیه ۵ بهتر مطابقت دارد. واقعاً در انتهای آن فصل خاص بهتر مطابقت دارد.

می‌روم، و خواهیم دید که چگونه او این روشی است که پیش می‌رود. من آیه ۴ را نقل می‌کنم، و سپس به ۵ واقعاً با آیه ۴ بهتر مطابقت دارد. و او خواهد ایستاد و گله خود را در قدرت خداوند، در شکوه نام او خداوند، خدای خود، شبانی خواهد کرد، و آنها در امنیت ساکن خواهند شد. زیرا اکنون، او تا اقصای زمین بزرگ خواهد بود، و او صلح آنها خواهد بود.

می‌بینید چطور این دو بهتر به هم مرتبط می‌شوند؟ حالا، در آیه ۵، وقتی آشوری‌ها وارد سرزمین شدند، چیز دیگری شروع می‌شود. بنابراین، واقعاً همانطور که گفتم، می‌توان در اینجا کمی تغییر در این آیه ایجاد کرد، زیرا آیه ۵ الف واقعاً با آیه ۴ بهتر همخوانی دارد. با این حال، در مورد آشوری‌ها، ما از قبل می‌دانیم که آنها کسانی هستند که در این زمان خاص اسرائیل، یهودا، را آزار می‌دهند. آنها کسانی هستند که مردم را در شمال، اسرائیل، در سال ۷۲۲ قبل از میلاد تبعید کردند و اکنون آنها کسانی هستند که در سال ۷۰۱ به اورشلیم حمله می‌کنند، و سناخریب پادشاه، که ادعا می‌کند قبلاً ۴۶ شهر مستحکم یهودا را فتح کرده است.

بنابراین، این قدرت مهاجم در زمان میگاه است و او یهودا را ویران کرده است. اما، همانطور که قبلاً اشاره کردیم، او به دلیل مداخله فرشته خداوند از طریق دعای حزقیا وارد اورشلیم نشد. و پس از دست دادن آشوری، او با عقب‌نشینی ننگین به وطن خود بازگشت ۱۸۵۰۰۰.

اما جالب اینجاست که آشور بارها به عنوان کنایه برای دیگر دشمنان اسرائیل استفاده شده است، یک کنایه، یعنی جایگزینی برای دیگر دشمنان اسرائیل. و این نحوه کار آن است. در مرثی ۵، آیه ۵، ارمیا در مورد آشوریانی صحبت می‌کند که اورشلیم را نابود کرده‌اند، اما در واقع بابلی‌ها بودند که این کار را انجام دادند.

آیه ۲۲، باب ۶ کتاب عزرا، درباره آشوریان صحبت می‌کند و با این حال تحت حکومت پارسیان است. زکریا، باب‌های ۱۰ و ۱۱، درباره مصر در سرزمین‌های تبعید شمالی صحبت می‌کند و از اصطلاح آشور استفاده می‌کند. بنابراین، در نهایت، اسرائیل بر همه دشمنانش پیروز خواهد شد، اما نکته جالب این است که نام

آشور، اگرچه در زمان میکاه در واقع ملتی بود که به اورشلیم حمله می‌کرد، اما از آن زمان به عنوان یک اصطلاح عمومی برای دشمنانی که علیه اسرائیل می‌آیند، استفاده می‌شود.

حالا، چطور قرار است این حمله خنثی شود؟ ما می‌خوانیم که او هفت چوپان و هشت شاهزاده را برخواهد، انگیخت. این از تفسیر انتقادی بین‌المللی آمده است و به آنچه ما اینجا می‌گوییم، یعنی هفت و هشت مربوط می‌شود. این چگونه در کتاب مقدس استفاده شده است؟ و من خواندم که این کنار هم قرار دادن دو عدد، که دومی بزرگتر از اولی است، با یک واحد، در اینجا هفت و هشت داریم، برای بیان ایده عدم قطعیت به کار می‌رود.

در این صورت، تعداد رهبران با تمام تقاضاهایی که ممکن است مطرح شود، برابر خواهد بود. بنابراین، ایده این است که در اینجا یک کفایت وجود دارد، و این یک روش شاعرانه برای بیان این موضوع است. به عبارت دیگر، نیروی انسانی فراوانی برای شکست دشمنان اسرائیل در دسترس خواهد بود.

ما هفت چوپان و هشت شاهزاده خواهیم پرورید. این یک توالی است، هفت تا هشت. برای مثال، همین را در کتاب مقدس می‌بینید.

نانت را روی آب بریز، یک قسمت برای هفت یا حتی هشت. به عبارت دیگر، آن را فراوان کن. همین ساختار در عاموس استفاده شده است، اما در آنجا ساختار سه-چهار است.

در ازای سه گناه دمشق، چهار گناه دیگر. این واقعاً تمام گناهان دمشق را به جا خواهد آورد. بنابراین، شما مسیر را می‌فهمید.

بنابراین، تعداد کافی از مردم برای خنثی کردن دشمنانی که علیه اسرائیل می‌آیند، وجود خواهد داشت. آنها سرزمین آشور را با شمشیر و سرزمین نمرود را در ورودی‌های آن نگهبانی خواهند داد. و او ما را از دست آشوریان نجات خواهد داد، هنگامی که به سرزمین ما بیاید و در مرزهای ما قدم بگذارد.

آیا او اکنون به صورت محلی صحبت می‌کند، یا اصطلاح آشور اکنون برای همه دشمنان استفاده می‌شود؟ سرزمین آشور را با شمشیر چوپانی کنید. او سرزمین آشور را با شمشیر چوپانی خواهد کرد. این چوپانی مسالمت‌آمیز نیست.

سرزمین نمرود، این اشاره دیگری به آشور است. این شهر، شهری قدرتمند در آشور بود. اما، از آنچه قبلاً گفتیم، این ممکن است نگاهی به آینده داشته باشد.

ممکن است بابل باشد زیرا در فصل دهم پیدایش، آن همبستگی بین نمرود و بابل وجود دارد. همانطور که این اشاره کرده بود، میکاه، مانند اشعیا، مشتاقانه منتظر حمله بابلی‌ها است که در آینده رخ خواهد داد و مردم را برای آن آماده می‌کند. در مورد چوپانی سرزمین آشور صحبت می‌شود و شمشیر قرار است در ورودی‌های آن به سمت نمرود باشد.

و جالب اینجاست که به جای اینکه در ورودی‌های آن نوشته شود نمرود، با کمی تغییر، به نمرود با شمشیر تبدیل می‌شود. و این تشابه را حفظ می‌کند. شمشیر روی آشور است، شمشیر روی نمرود است، و شما یک تشابه زیبا در اینجا دارید.

اما بیایید به آیات ۷ و ۹ برویم. بازماندگان اسرائیل در میان ملت‌ها. آنگاه بازماندگان یعقوب در میان قوم‌های بسیار خواهند بود، مانند شبنم از جانب خداوند، مانند بارش‌هایی بر سبزه، که نه برای انسان درنگ می‌کند و نه برای بنی‌آدم منتظر می‌ماند. خب، بلافاصله، ایده شبنم در همه جا پخش می‌شود.

ایده بارش باران در همه جا، این ایده را به ذهن متبادر می‌کند که پراکندگی بنی‌اسرائیل در اینجا وجود دارد، و مطمئناً. سپس بازماندگان یعقوب. آن زمان چه زمانی است؟ چه زمانی قرار است این اتفاق بیفتد؟ سپس بازماندگان یعقوب.

خب، اول پراکندگی بنی‌اسرائیل در میان جمعیت زیاد، شبنم و رگبار باران روی چمن، به عنوان پراکندگی بنی‌اسرائیل، اتفاق می‌افتد. این منتظر هیچ انسانی نیست، یعنی خدا این را هدایت می‌کند، هر چه که باشد. این من را یاد یک رئیس جمهور آمریکا می‌اندازد که زمانی گفته بود، بستگی دارد چه چیزی هست، هست.

خب، حالا، بستگی به این دارد که آن زمان چه باشد. بیایید سعی کنیم این موضوع را باز کنیم. آیا شبنم و رگبار چیز خوبی هستند یا چیز بدی؟ آیا پراکنده شدن بنی‌اسرائیل در بین ملت‌ها نشانه خوبی است یا پراکنده شدن آنها در بین ملت‌ها چیز بدی است؟ خب، بیایید به آن به عنوان یک نشانه خوب نگاه کنیم.

چرا این می‌تواند نشانه خوبی باشد؟ چون بارش شبنم برای محصولات کشاورزی در اسرائیل ضروری بود بدون بارش، بدون باران، بدون شبنم، کشاورزی وجود ندارد. در سفر پیدایش و تثبیه از آن به عنوان برکت یاد شده است.

بنابراین، اسرائیل در تبعید برای ملت‌ها نعمتی خواهد بود، همانطور که شبنم و باران برای محصولات کشاورزی نعمتی هستند. و می‌توان به این موضوع پی برد، زیرا حتی امروزه، ملت‌هایی که جمعیت یهودی زیادی دارند، عموماً به دلیل مشارکت یهودیان در کل جامعه، وضعیت خوبی دارند. بنابراین، این یک نعمت بوده است، و مطمئناً در اینجا در آمریکا نیز نعمتی بوده است.

اما آیا این می‌تواند نشانه بدی باشد؟ خب، چطور شبنم و رگبار می‌توانند نشانه بدی باشند؟ خب، بیایید ببینیم که چگونه در هوشع، فصل ۶، از آن استفاده شده است. شبنم نشانه بی‌وفایی و ناپایداری است ایمانی ناپایدار. چرا؟ چون خداوند می‌گوید، ایمان شما، اسرائیل، مانند شبنمی بر روی زمین است که صبح زود تبخیر می‌شود. بنابراین این نشانه خوبی نیست.

ناپدید شدن شبنم و مه صبحگاهی تشبیهی است به اینکه چگونه خداوند پادشاهی شمالی را از بین خواهد برد. من شما را مانند شبنم صبحگاهی که ناپدید می‌شود، از بین خواهیم برد. بنابراین، اگر از این دیدگاه به آن نگاه کنیم، این نشانه خوبی نیست.

ادامه دادن نشانه بدی است. وقتی داوود از دست ابشالوم فرار می‌کرد، توصیه‌ای که هیتوفل به ابشالوم کرد این بود که نه، حالا که داوود از اورشلیم فرار می‌کند، به او حمله کن و از شر او و قومش خلاص شو. اما بعد حوشای از راه می‌رسد، کسی که سعی می‌کند این توصیه را خنثی کند و می‌گوید نه، نه، صبر کن.

بیایید ارتشی تشکیل دهیم، و سپس مانند شبنم که بر زمین می‌بارد، بر داوود فرود خواهیم آمد. بنابراین، می‌بینیم که شبنم در حال ریزش می‌تواند به عنوان یک مفهوم نظامی نیز به کار رود. به توازی بین شبنم، رگبارها و شیری که تکه‌تکه می‌شود در آیه ۸ توجه کنید، که به آن خواهیم پرداخت.

، و جالب است که از یک طرف، اسرائیل در تبعید، شب‌نم، رگبار نامیده می‌شود، اما همچنین به عنوان شیر شیری که تکه‌تکه می‌کند، نیز نامیده می‌شود. و به آن خواهیم رسید. خوب، چه نتیجه‌ای می‌توانیم بگیریم؟ به نظر فروتنانه من، اگر این یک نعمت باشد، موقتی است زیرا اسرائیل مورد حمله قرار گرفته است.

اسرائیل ممکن است در میان ملت‌ها پراکنده شده باشد، اما در نهایت، آنها علیه دشمنان خود قیام خواهند کرد. اکنون به آیه ۸ می‌رسیم که تصویر دیگری از تبعیدشدگان به ما می‌دهد. به یاد داشته باشید، ما هنوز در مورد برادرانی صحبت می‌کنیم که حاکمان آنها را گرد هم می‌آورند.

و بازماندگان یعقوب در میان ملت‌ها، در میان قوم‌های بسیار، مانند شیری در میان جانوران جنگل، مانند شیر جوان در میان گله‌های گوسفندان خواهند بود. به عبارت دیگر، این چیزی است که درنده است، وقتی از میان می‌رود، لگدمال می‌کند و پاره پاره می‌کند، و کسی نیست که او را نجات دهد. خوب، ناگهان، بنی‌اسرائیل قدرت پیدا می‌کنند.

و دوباره، به تشابه آن با آیه ۷ که قبلاً به آن اشاره کردم توجه کنید. آنگاه بازماندگان یعقوب در میان قوم‌های بسیار خواهند بود. و سپس آیه ۸ در اینجا، و بازماندگان یعقوب در میان ملت‌ها در میان قوم‌های بسیار خواهند بود.

بنابراین اکنون تعریف کمی بهتری از چگونگی درک ایده بنی‌اسرائیل، بازماندگان یعقوب، در میان قوم داریم. این دو آیه واقعاً باید با هم در نظر گرفته شوند. و آیه ۸ بر نتیجه آیه ۷ تأکید می‌کند، که به نظر من، شب‌نم و رگبار، نمایانگر قیام ناگهانی و گسترده اسرائیل در میان ملت‌ها هستند.

اما یک دقیقه صبر کنید. این چطور قرار است جواب بدهد؟ بیایید پیشنهاد دیگری بدهیم. عبارت «در می‌تواند به معنای «در میان» باشد bekereb، میان «در زبان عبری».

ایده این است که قرار گرفتن اسرائیل در میان ملت‌ها ممکن است به این معنا نباشد که شما قوم یهود را به صورت جداگانه در میان ملت‌ها پراکنده کرده‌اید، بلکه خود این ملت در میان ملت‌های اطراف خود ملت‌های خاورمیانه، قرار دارد. و این البته چیزی است که ما امروز می‌بینیم. اسرائیل بکرب، ملت‌های خاورمیانه، بکرب، ملت‌های جهان است.

از این نظر، آنها در میان ملت‌های بسیاری هستند. بنابراین، این بدان معنا نیست که اسرائیلی‌ها در سراسر ملت‌ها پراکنده شده‌اند، بلکه شما یک ملت دارید که در بکرب، خاورمیانه، قرار دارد. به آنچه در آیه ۹ آمده است توجه کنید: دست تو بر دشمنانت بلند خواهد شد و همه دشمنانت نابود خواهند شد.

و بلند کردن دست بر روی دشمنان، در این مورد، برای برکت دادن به آنها نیست. چه چیزی می‌تواند باشد؟ دست شما بلند خواهد شد. دست چه کسی؟ دست شما به چه کسی اشاره دارد؟ خوب، عبارت، اول از همه، دست بلند شده، در مورد خدا به کار می‌رود.

به آیه ۲۶، فصل ۲۶ کتاب اشعیا نگاه کنید، ای خداوند، دست تو بلند است. مزمور ۸۹، دوباره، دست تو بلند است، دست راست تو بلند است، بلند شده است. تثنیه، دست خود را به آسمان بلند می‌کنم، از دشمنانم انتقام خواهم گرفت.

این ایده خداوند است که دستش را بلند می‌کند تا دشمنانش را بزند، آنها را به زمین بزند. از این نظر، این دست بلند شده است. اما باز هم، دست چه کسی بلند شده است؟ از متن

از سوی دیگر، ممکن است خداوند باشد، اما از سوی دیگر، نزدیکترین سلف به دست شما، بازماندگان یعقوب هستند. این سلف بلافصل است نه خداوند. بنابراین، دوباره، به نظر می‌رسد که بنی‌اسرائیل هستند که مانند شیر، دست خود را بالا می‌برند.

بنابراین، به نظر فروتنانه من، این به بازماندگان اشاره دارد، اما با کمک حاکم فصل ۵. در نهایت، آنها بر دشمنان خود غلبه خواهند کرد. و در آیه ۹، به طور خلاصه، با وجود اینکه اسرائیل و یعقوب مطیع آشور شدند، در نهایت، از طریق کار حاکم، اسرائیل در نهایت بر همه آشوریان غلبه خواهد کرد، و از آن به صورت جمع استفاده می‌کند. و جالب است که کتاب مقدس به نابودی دشمنان اسرائیل در نقل قول آخرالزمان، اشاره می‌کند، همانطور که قبلاً بحث شد، این به چه معناست، و صلح در پی آن چیست.

اما تنها زمانی که بنده می‌آید تا دشمنانش را پایمال کند، که نه تنها در فصل ۵ می‌کاه، بلکه در فصل ۶۳ اشعیا، مکاشفه فصل ۱۹ نیز می‌بینیم، خدا ملت‌ها را در آن زمان نابود خواهد کرد. خب، اینجا یک سوال مطرح می‌شود. با پیوند دادن آیات ۷ و ۹ به هم، آیا این شامل کلیسای می‌شود که به اسرائیل پیوند زده شده است؟ به هر حال، ما در میان ملت‌ها به معنای اول، پراکنده هستیم، افرادی اینجا و آنجا در ملت

آیا کلیسا مانند شب‌نم و باران در میان ملت‌ها پراکنده نیست؟ آیا کلیسا سرانجام بر دشمنان پیروز نخواهد شد وقتی حاکم، عیسی، که نه تنها در میکاه و زکریا و دانیال، بلکه در مکاشفه نیز در مورد آن بحث شده است، بیاید؟ خب، با گفتن این حرف، منظورم این نیست که کلیسا جایگزین اسرائیل ملی شده است، و نه اینکه خدا برنامه‌ای برای آینده اسرائیل ملی ندارد، بلکه این موضوع برای روز دیگری است. منظور من این است که حاکم، عیسی، که ما به عنوان حاکم و ناجی خود به او اعتماد داریم، سرانجام ما را از میان ملت‌ها بیرون خواهد آورد و ما را با همه برادرانش گرد هم خواهد آورد. اکنون به بخش آخر میکاه، فصل ۵، آیات ۱۰ تا ۱۵، می‌رویم.

این به عنوان تفسیری از پیروزی اسرائیل یا یعقوب بر ملت‌ها مطرح می‌شود، یا حداقل ما اینطور فکر می‌کنیم، یا اینکه این رفتار خدا با اسرائیل است؟ باز هم، آیا ما در سطح محلی صحبت می‌کنیم یا جهانی؟ و در آن روز، خداوند اعلام می‌کند، اسب‌های شما را از میان شما خواهم برید و ارابه‌های شما را نابود خواهم کرد. حال، به نظر می‌رسد که او هنوز در حال بازگشت است تا به بنی‌اسرائیل بگوید که آنها صرف نظر از هر کاری که در برابر تهاجم قریب‌الوقوع نه تنها آشوریان انجام دهند، موفق نخواهند شد. حداقل اورشلیم نجات یافت، اما شاید حتی آن روزی که بابلی‌ها می‌آیند. بنابراین، آیا این به فصل ۴ میکاه، روزهای آخر و تمام آنچه که دلالت دارد، اشاره دارد؟ آیا این ادامه رفتار خداوند با دشمنان اسرائیل است؟ آیه ۹، آیا یکی از این دو است؟ یا این بازگشتی به موضوع نابودی خدا علیه اسرائیل است؟ توجه کنید که چگونه دشمنان بریده شده در آیه ۹ با بریده شده در آیات ۱۰ تا ۱۳ مرتبط می‌شوند.

و منظورم این است. در آیه ۹، دشمنان را نابود کن. در آیه ۱۰، او قرار است اسب‌ها را نابود کند.

در آیه ۱۱، شهرها را قطع کنید. مفهوم قطع کردن به معنای پایان دادن است. در آیه ۱۲، جادوگران را قطع کنید.

آیه ۱۳، تصاویر تراشیده شده را جدا می‌کند. شبیه بت‌پرستی به نظر می‌رسد. شبیه کاری است که اسرائیل با بت‌پرستی خود انجام می‌داد.

در آیه ۱۴، او از اصطلاح ریشه‌کن کردن استفاده می‌کند. اما این همان ایده حذف را حفظ می‌کند. قطع کردن، قطع کردن، قطع کردن، ریشه‌کن کردن.

او به چه چیزی اشاره می‌کند؟ آیا او بالاخره در مورد ریشه‌کشی کامل اسرائیل صحبت می‌کند؟ خب، به نظر من، این عبارت به نابودی ملت‌هایی که از احترام به او امتناع می‌کنند توسط خدا اشاره دارد. به عبارت دیگر این نابودی ملت‌هایی است که در نهایت به نابودی اسرائیل چشم دوخته‌اند. اما این در انتظار دفاع حزقیا است که محکوم می‌شود.

زیرا قدرت حقیقی در خداوند است. و ما قبلاً در این مورد بحث کرده‌ایم. و من شهرهای سرزمین شما را ویران خواهم کرد و تمام دژهای شما را فرو خواهم ریخت.

و من جادو را از دست تو قطع خواهم کرد. و دیگر فالگیری نخواهی داشت. مفهوم این آیات در مباحث قبلی بررسی شده است.

آیه ۱۳، من بت‌های تراشیده و ستون‌های شما را از میان شما قطع خواهم کرد. و دیگر به ساخته‌های دست خود سجده نخواهید کرد. در اینجا تصاویر تراشیده شده‌ای وجود دارد که توسط باستان‌شناسان پیدا شده است و نمایانگر خدایانی است که مردم می‌پرستیدند.

اینها در سمت چپ در حاصور، شهری در شمال، قرار دارند. و سپس ستون‌هایی وجود دارند، که ما دقیقاً نمی‌دانیم برای چه کاری استفاده می‌شدند، و در گِزِر پیدا شده‌اند. و همانطور که می‌بینید، آنها بسیار بزرگ هستند زیرا برخی از دانش‌آموزان ما در آنجا از آنها برای آزمایش مهارت‌های کوهنوردی خود استفاده می‌کنند.

و من اشیره، بت‌های شما را از میان شما ریشه‌کن خواهم کرد و شهرهای شما را ویران خواهم کرد. ما قبلاً در مورد بعل و اشیره، بعل خدای طوفان، و اشیره، الهه باروری، صحبت کرده‌ایم. و سپس آیه ۱۵، با خشم و غضب، از ملت‌هایی که اطاعت نکردند انتقام خواهم گرفت.

و این تا حدودی به این سوال پاسخ می‌دهد، اینطور نیست؟ اینکه ملت‌های بت‌پرست در نهایت توسط خداوند نابود خواهند شد، همانطور که او اسرائیل را نابود کرد. اما تفاوت این است که او اسرائیل را بازگرداند. و اگر زکریا را بخوانیم، نشانه‌هایی وجود دارد که تعدادی از ملت‌ها، یعنی غیریهودیان، قرار است بازگردانده شوند.

بیا ببینیم فقط چند نکته در این مورد بیان کنیم. به تأکید بر ملت‌ها توجه کنید، به همین دلیل است که به نظر فروتانه من، فزاینده‌ای از آیات ۱۰ تا ۱۴ به ملت‌ها می‌پردازد و نه صرفاً به اسرائیل. زمان آن فرا می‌رسد.

گناهان ملت‌ها که داوری را به همراه دارد. چرا خدا ملت‌ها را داوری می‌کند؟ زیرا فرقی نمی‌کند که اسرائیل باشد یا یعقوب یا ملت‌ها. غرور گناه است.

غرور به ارتش خود، ثروت خود، غرور فرهنگی خود. وحشیگری گناهی است که در عاموس می‌بینیم. ظلم به پناهندگان گناهی است که در عوبدیا می‌بینیم.

اینها کارهایی هستند که ملت‌ها انجام می‌دهند و در نهایت داوری خواهند شد، به خصوص به دلیل نقض تقدس خدا. و این موضوع در مزمور فصل ۲، آیه ۱۲ آمده است. بنابراین، با مرور مختصرمان، میکاه فصل چه چیزی می‌توانیم یاد بگیریم؟ خب، اول از همه، خدا به گناهان اسرائیل رسیدگی خواهد کرد، اما نه قبل، ۵، از آمدن حاکم.

در نهایت، خداوند نه فقط اسرائیل، بلکه تمام ملت‌هایی را که از احترام به خداوند سر باز می‌زنند، داوری خواهد کرد. آن روز فرا می‌رسد، آن روز را به پایان برسانید. و با آن، فصل ۵ را به پایان خواهیم رساند متشکرم.

من دکتر پری فیلیپس هستم و تعلیمات او در مورد کتاب میکاه نبی، پیامبر خارج از کمربندی. این جلسه ۶ میکاه ۵ است.